

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهيم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

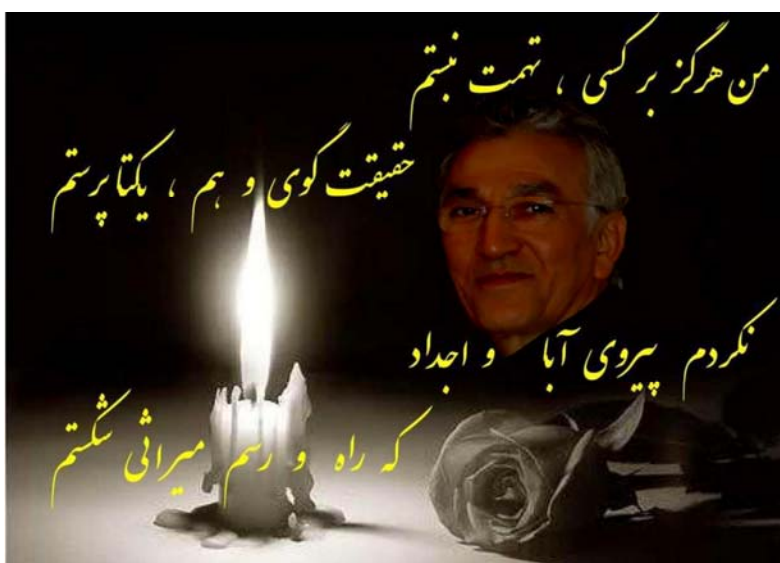
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۲ جولای ۲۰۱۸



## لشکر احساس

آمدی، چشم دل از آمدنت بینا شد  
طبع بندم به خدا باز شد از پیغامت...  
به پذیرائی تو، لشکر احساساتم  
در غیابت شبِ ما، تار و خنک بود چنان  
مدتی را که نبود، چقدر سخت گذشت  
آمدت، آتشی در جانِ همه عالم زد  
آمدت، سبزه و موج گل و شبنم آورد  
آمدت، نیک و مبارک، چو بهار و باران  
همه مدهوش و خراب از گذرِ پرمهرت  
صبح صادق، به سپید گلِ رویت، ساجد  
به دهان و لبِ ما، نیز زبان گویا شد  
واژه ها رقص کنان روی ورق پیدا شد  
صف به صف حاضر و آماده ترا جویا شد  
طعنه ها، هر دم و هر آن به شبِ یلدا شد  
لحظه ها هفته و چون ماه، گذر بر ما شد  
خامه ات، معجزه، بهتر ز یَدِ بیضا شد  
برگه ما فقرا، از قدمت بویا شد  
در غم بسته و دروازه شادی، وا شد  
نظرت، ساقی و هم باده و هم مینا شد  
تا که آرامشِ «نعمت»، ز عبادتها شد

# شکر احساس

آمدی، چشم دل، از آمدت پیناشد  
به دهان و لب ما، نیز زبان گویاشد  
طبع بندم بخدا باز شد از پیغامت  
واژه ما رقص کنان روی ورق پیدا شد  
به پذیرایی تو، شکر احساساتم  
صف به صف حاضر و آماده، ترا جویاشد  
در غیبت، شب ماتم و خنک بود چنان  
طنعمه ما، هر دم و هر آن به شب پیدا شد  
مدتی را که نبودی چقدر سخت گذشت  
نقطه ما، هفتت و چون ماه، گذر بر ماست  
آمدت، آتشی در جان همه عالم زد  
خامه ات، معجزه، بهتر زید میخاشد  
آمدت، سبزه و موج گل و شبنم آورد  
برکه ما فسترا، از قدمت بویاشد  
آمدت، نیک و مبارک، چو بهار و باران  
در غم بسته و دروازه شادی، واشد  
همه مدتهش و خراب، از گذر پر مهرت  
نظرت، ساقی و هم باده و هم میناشد  
صبح صادق، به سپید گل رویت، ساجد  
تا که آرامش «نعمت»، ز عبادت هاشد